

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ سپتمبر ۲۰۲۰

استفاده ابزاری "غنی احمدزی" از تشیع و هزاره!

دوشنبه - ۳۱ سنبله ۱۳۹۹ - کابل: هرگاه به خبر های دور روز اخیر دقت نموده باشید، دو خبر به موازات یک دیگر، تقریباً در سرخط خبر ها قرار داشت. یکی درز آگاهانه پیشنهاد طالب مبنی بر این که طرز العمل کار هیأت های مذاکره کننده مبتنی بر فقه حنفی باشد، دیگری مسافرت "غنی احمدزی" و معاونانش به بامیان و طرح مسابلی که کمتر از گذاشتن خار مغیلان زیر نشیمنگاه طالب، هوادارانش و فاشیست ها نبوده است. در یادداشت امروز توجه شما را به همین موارد جلب می نمایم:

۱- به نظر من، همزمانی افشای یکی از خواست های غیر قابل پذیرش و تفرقه افکنانه طالب و مسافرت "غنی احمدزی" و باندش به ولایت بامیان و آنجا را به تریبون بیان عقاید شان مبدل ساختن، امر تصادفی نبوده، بلکه در این همزمانی باند ارگ، آگاهانه عمل نموده است. یعنی از یک جانب صحبت هائی را که توافق شده بود نباید به بیرون درز نماید، افشای می کنند و از جانب دیگر به ولایت بامیان در مقابل سمبول جنایت طالب در حق تاریخ و فرهنگ کشور یعنی بتهای بامیان ایستاده می شوند و از جهات مختلف بر طالب حمله می نمایند.

۲- سخنرانی "سرور دانش" در حضور شخص "غنی احمدزی" و با اجازه وی در مورد بیش از ۲۵۰ سال تاریخ کشور، صرف نظر از این که تا چه حد درست بوده و تا چه میزان غلط، با شناختی که از "سرور دانش" و مناسبات چاکر منشانه اش با "غنی احمدزی" داریم، می شود با قاطعیت گفت، بدون اجازه و صوابدید شخص "غنی احمدزی" صورت نگرفته است.

۳- این که "غنی احمدزی" و باندش بعد از سالها تاخت و تاز های فاشیستی، تفرقه افکنانه و زورگویانه، در بحبوحه جنجال به وجود آمده بین طالب و نمایندگان دولت دست نشانده، در مورد مذهب شیعه و قوم هزاره، یک باره به یاد ولایت بامیان می افتند و با مسافرت شان به بامیان و گرفتن عکس های یادگاری آنها جلو سند انکار ناپذیر جنایت طالب بت های ویران شده، رسانه ها را از مسافرت شان مطلع می سازند، عمدتاً می تواند مبتنی بر دو انگیزه باشد.

الف- "غنی احمدزی" به مثابه یک جاسوس و وطنفروش، بعد از تمام خیانت هائی که در حق کشور و مردم آن انجام داده، اینک از جانب اشغالگران وظیفه گرفته، تا تخم دشمنی و کدورت بین مذاهب و اقوام کشور را، مجدداً آبیاری نماید تا در مرحله بعدی، بتوانند با سوءاستفاده از آن و زیر نام دفاع از این و یا آن قوم و مذهب، اشغالگران فرصت مداخله و حضور اشغالگران شان را فراهم نموده باشند.

ب - دومین انگیزه "غنی احمدزی" از این مسافرتها و آنچه در آنجا گفته شد، می تواند تجرید و حشتناک "غنی احمدزی" بین تمام اقوام ساکن در افغانستان، به خصوص قوم پشتون باشد. یعنی با وجود آن که "غنی احمدزی" در تمام دوران حاکمیتش با تعقیب سیاست های فاشیستی کوشش نمود تا طبقه حاکم قوم پشتون را به دنبال خود بکشاند، مگر اوضاع قسمی تکامل نمود که تمام زحماتش به هدر رفته و هیچ گونه اعتباری قوم پشتون بر وی ندارند. این تجرید و تنهائی وی را وادار ساخته است تا در اوقات آخر حاکمیتش، دست به دامان تشیع و هزاره دراز نماید و امیدوار این باشد که از جانب آنها مورد پشتیبانی قرار بگیرد.

هموطنان گرامی!

"غنی احمدزی" و باندش به هر نیت و قصدی که این دور از مسافرت های سیاسی اش را آغاز نموده باشد، یک نکته در تمام حالات غیر قابل شک و تردید است و آن این که در هیچ یک از حرکات و سیاست هائی که "غنی احمدزی" و باندش اعلام می دارند و یا عملی می نمایند، منافع مردم افغانستان و حفظ وحدت ملی در کشور منظور نظر آنها نیست، آنها اگر امروز پشتون و سنی اند و بخواهند فردا خود را تاجیک، هزاره و ازبیک و یا هم شیعه و یا وهابی اعلام بدارند، مطلقاً صادق نیستند، بلکه می کوشند در همه حالت از کمبود های مردم سوء استفاده نموده، به خود و به بادران شان خدمت نمایند.

هموطنان گرامی!

به همان سان که "غنی احمدزی" و باندش، پشتون و سنی نیستند، زیرا جاسوس اند و جواسیس تعلق قومی و مذهبی ندارند، هیچ گاهی نمی توانند هزاره و یا شیعه نیز بگردند، پس باید متوجه باشیم که نگذاریم تا از علایق و هویت های قومی و مذهبی مردم سوء استفاده نمایند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!